

انذیشکده
روابط بین الملل



قدرت‌یابی احزاب راست و چالش‌های نظم اروپایی

احسان جعفری فر

کلمات کلیدی: راست افراطی، پوپولیسم، همگرایی
اتحادیه اروپا، نظم اروپایی

اندیشکده روابط بین الملل: تمایز گذاری و افتراق نسبت به اقلیت‌های اروپا در قالب پارادایم‌های ناسیونالیستی و تهدید محور در سال‌های اخیر قوت گرفته است. رهیافت ادغام‌گرای اروپا اگرچه کوشید تا اقلیت‌های مسلمانان اروپایی را وارد ساختارهای ذهنی و عینی تمدن غربی سازد ولی در عمل، اقلیت‌های مسلمان در عین تلاش برای تعمیم حقوق اجتماعی خود، حفظ و اجرای شریعت در جوامع اروپایی برآمدند تا اینکه با سرریز شدن سیل جمعیت آوارگان پس از بحران‌های امنیتی خاورمیانه، دامن زدن به تبلیغات تهدیدآمیز نسبت به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی آتی اروپا و حتی مسائل امنیتی به سبب مهاجرت داعشی‌ها، همراه با آوارگان، مسلمانان اروپا بیش‌ازپیش در کانون توجه‌ها رسانه‌ها و گروه‌ها قرار گرفتند. با اتخاذ سیاست‌هایی نسبت به کنترل مهاجرت به اروپا از جمله مدیریت سرحدات و یا ایجاد برنامه آموزش امام مساجد در راستای تقویت جریان معتدل اسلامی و شدت توجهات زمینه‌ی ترس اجتماعی و بهره‌برداری گروه‌هایی را فراهم ساخت. هرچند بازتاب سیاست‌ها و تبلیغات در قبال مسلمانان را می‌توان در تبعیض‌های استخدامی، حساسیت به نمادهای اسلامی چون مناره مساجد، حجاب زنان، فروشگاه‌های حلال و ... تبیین کرد اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین موضوع قابل توجه در سیاست داخلی کشورهای اروپایی قدرت‌یابی احزاب پوپولیستی است.

پیشینه راست افراطی حتی به قبل از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد اما احزاب راست افراطی در بسیاری از کشورهای اروپایی به‌عنوان احزاب نژادپرست یا نئونازی شناخته می‌شوند که با استقبال عمومی کمی مواجه می‌شوند اما در سال‌های اخیر با افزایش نارضایتی مردم از ناکارآمدی احزاب اصلی این احزاب با رهبران کاریزماتیک، تبلیغات ناسیونالیستی و اتهام دروغ بودن وعده‌های احزاب اصلی، نظر مردم را در انتخابات به خود جلب کرده‌اند و توانسته‌اند از این موضوع بهره‌برداری سیاسی کنند. رهبران این احزاب برای به دست آوردن مشروعیت سیاسی، خود را مدافع آرمان‌ها و ارزش‌های ملی در برابر تهدیدهای ملی نشان می‌دهند.

همچنین احزاب راست که در دهه‌های گذشته بیشتر رویکرد یهودستیزی داشتند، در سال‌های اخیر به دلایل مختلفی سیاست‌های مهاجر ستیزی و به‌ویژه اسلام‌ستیزی را مطرح می‌کنند چراکه نخست مسلمانان دارای جمعیت قابل توجهی در کشورهای اروپا هستند و دوم اینکه طبق نظرسنجی‌های انجام‌شده در نگاه اروپاییان، مسلمانان از هرگونه ادغام شهروندی با سایر جوامع و ملیت‌ها فاصله می‌گیرند و بیشتر مدافع ارزش‌های اسلامی خود هستند تا ملی و سوم اینکه مطرح‌شدن

مسئله پذیرش سیل مهاجران مسلمانان یا آوارگان جنگ‌زده خاورمیانه در کشورهای اروپایی با واکنش‌هایی همراه بود که راست افراطی در پروپاگاندای خود از آن سعی کرده است بهره ببرد؛ بنابراین در یک بررسی کلی می‌توان علت قدرت‌یابی راست افراطی را از یک سو بحران‌های اروپا از جمله بحران اقتصادی ۲۰۰۸ و تحمیل مسئولیت بدهی‌های دیگر کشورها، افزایش عملیات تروریستی به سبب تحرک تروریست‌ها در اتحادیه اروپا، توافق بر سیاست مهاجرپذیری از سوی احزاب اصلی، عدم احساس شهروندان به اتحادیه اروپا، عملیات روانی و جنگ تبلیغاتی منفی تحت عنوان " تروریسم اسلامی " و از طرف دیگر تأثیر افکار عمومی که خواهان تغییر در عدم امنیت شغلی، نارضایتی از افزایش بیکاری و گسترش فقر، نابرابری طبقاتی و کاهش خدمات دولتی در بهداشت و آموزش و مسکن، ریاضت‌های اقتصادی، بدبینی، احساس ترس و تردید به همگرایی اقلیت‌ها، درخطر دیدن هویت خود و بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های آتی احزاب سنتی حاکم را نام برد. راهبرد راست افراطی این است که سعی دارد با ایجاد پیوند بین مسائل مختلف و تحریک احساسات ناسیونالیستی و مذهبی بر بحرانی بودن شرایط تأکید ورزد و در واقع مثلث ناکارآمدی دولت، مهاجرت و ناسیونالیسم را در پروپاگاندای خود استفاده کند. در مقابل گرچه احزاب حاکم محافظه‌کار و سوسیالیست برای حاشیه راندن آن‌ها را متهم به نژادپرستی و شعارهای پوپولیستی می‌کنند اما در سیاست‌های خود نیز نظرات آنان را برای کاستن فشارها مدنظر می‌گیرند، به‌عنوان مثال، کمیسیون اروپا در تدوین سیاست‌های اتحادیه در حوزه سیاست‌های مرتبط با مصرف‌کنندگان دیدگاه احزاب دست راستی را موردتوجه قرار می‌دهد. همچنین شواهد نشان می‌دهد زمانی که دولت‌های اروپایی با سطح بالایی از بدبینی در میان شهروندان خود مواجه می‌شوند، توجه کمتری به قوانین اروپایی می‌کنند.

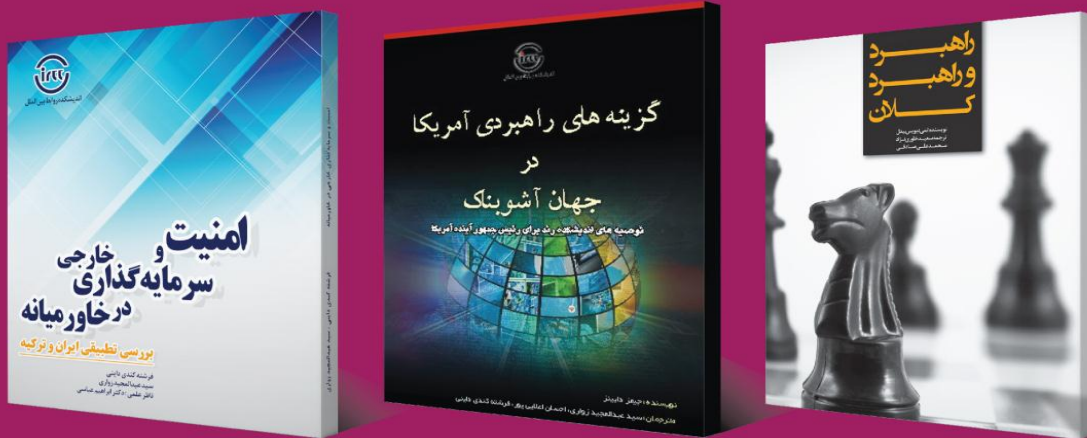
مطرح‌شدن موضوع اتحادیه در مباحث سیاسی راست افراطی یا مخالفت با جهانی‌سازی به‌منزله تلاشی برای تجدید احیای حاکمیت ملی، انتقاد از محو احساسات ناسیونالیستی و کم‌رنگ کردن مرزهای سیاسی جغرافیایی در اروپا است که منجر به افزایش پایگاه اجتماعی و قدرت سیاسی آن‌ها شده است. باید توجه داشت پایگاه اجتماعی قدرتمند این جریان لزوماً نشان‌دهنده تمایل مردم اروپا به نژادپرستی و یا موافقت با تمام شعارهای این احزاب نیست بلکه حامیان این جریان افراد سرخورده و ناراضی از احزاب حاکم سنتی یا کسانی هستند که نسبت به آینده احساس تهدید و ناامیدی می‌کنند. خروج بریتانیا نیز با استقبال احزاب راست به‌عنوان نیروی ضد همگرایی امید تحقق خروج سایر کشورها را برای آن‌ها افزون‌تر

کرده است به طوری که شعارهای جبهه ملی فرانسه، حزب آزادی هلند، حزب آزادی اتریش و دیگر احزاب راست نیز تأکید بر خروج کشورشان از اتحادیه اروپا است.

لازم به ذکر است که راست افراطی جدید توانسته است علاوه بر احزاب سنتی اصلی، موقعیت بسیاری از احزاب چپ‌گرا در کشورهای اروپایی را نیز تضعیف کند. احزاب چپ که با احزاب اصلی از دیرباز دارای تضادهایی هستند بیشتر به سبب ناکارآمدی ایدئولوژی خود نتوانسته‌اند مورد استقبال مردم قرار بگیرند درحالی که به نظر می‌رسد فضا برای تبلیغات آن‌ها نیز محیا شده باشد ولی از آنجاکه ترس از دست دادن ارزش‌ها و فرهنگ، تکیه بر شعارهای ملی و آرمان‌خواهی برای ملت خود در شعارهای راست افراطی برجسته‌تر بوده است بسیاری از رأی‌دهندگان از طبقه‌های گوناگون و حتی کارگران امروز حامی راست افراطی شده‌اند. در خاتمه باید با اشاره به تئوری برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و دیدگاه‌های راست افراطی خاطرنشان کرد که بعد از افول بلوک کمونیست شرق، سیستم جهان به چندقطبی با نقش تمدن‌های مختلف در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی تغییر پیدا کرده است. جان میرشایمر در خصوص از میان رفتن ساختارهای قبلی نظام بین‌الملل و شدت یافتن منازعات قومی تحت عنوان ناسیونالیسم افراطی هاپیرناسیونالیسم این نوع ناسیونالیسم را بزرگ‌ترین تهدید و خطر صلح جهان می‌داند.

برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید

www.irthink.com



تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۵۶۴۵۴۶۳
پست الکترونیکی: irtt.ir@gmail.com
www.irthink.com

